

۸۷/۱/۱۰۶۷۳۸

۸۷/۱/۹



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی
گروه جامعه‌شناسی

موضوع

بررسی گرایش دخترهای جوان به ارزش‌های زنانگی

استاد راهنما

دکتر محمدسعید ذکایی

استاد مشاور

دکتر طاهره قادری

استاد داور

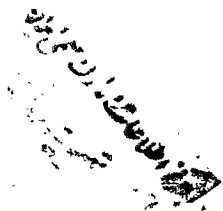
دکتر عذرا جاراللهی

پژوهشگر

معصومه قاراخانی

۱۳۸۵

۱۳۸۷ / ۴ / ۲۵



۱۹۵۳۱۷

تقدیم به همه کسانی که با عشق می آموزند تا خالصانه خدمت کنند

و با احترام و مهر

تقدیم به همسرم آیت و پسرم پارسا

قدردانی

این رساله، مختصر تلاشی در جهت بسط پژوهش‌های مرتبط با حوزه جامعه‌شناسی جنسیت و مطالعات زنان است. بویژه پژوهشگر تأکیدش را بر حوزه «مطالعات دختران» که تا حدودی مغفول مانده، گذاشته است. نیک می‌دانم که انجام این پژوهش بدون راهنمایی و مشاورت اساتید بزرگوارم میسر نمی‌شد. از این حیث، مایلم از صاحب‌نظران و پژوهش‌گرانی که در تنظیم متن رساله از آنان یاری جست‌ام تشکر نمایم. بویژه از جناب آقای دکتر محمد سعید ذکایی، استاد ارجمندم به خاطر دقت نظر و راهنمایی‌های ارزشمندشان قدردانی می‌نمایم. همچنین از سرکار خانم دکتر طاهره قادری که با علاقه و توجه متن رساله را مطالعه نموده و نظرات مفید و مؤثری ارائه نمودند، سپاسگزاری می‌کنم. از داور محترم این رساله سرکار خانم دکتر عذرا جاراللهی که با شکیبایی و دقت پیشنهادهایی جهت اصلاح و رفع نواقص و کاستی‌های موجود در متن رساله ارائه کردند، تشکر می‌نمایم.

معصومه قاراخانی

تابستان ۱۳۸۵

چکیده

سازه‌گرایی به عنوان مکتبی انتقادی با به چالش کشیدن دیدگاه ذات‌گرایی، بر آن است که هویت جنسیتی برساخته‌ای اجتماعی است. از این دیدگاه «زنانگی» سازه‌ای اجتماعی تلقی می‌شود که فعالانه از طریق فرایند جامعه‌پذیری در یک فرهنگ خاص کسب می‌شود. لذا «زنانگی» متفاوت با «زنی» و «مادینگی»، فراتر از ویژگی‌های ذات‌گرایانه است. در این رساله بر مبنای دو دیدگاه ذات‌گرایی و سازه‌گرایی به مرور پارادایم‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی، فمینیستی، روان‌شناسی اجتماعی، مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی پرداختیم. سپس با اتخاذ رویکردی سازه‌گرایانه و با تعمیم این رویکرد مبنی بر توجه به تعاملات پیچیده میان فرد و دنیای اجتماعی در تعیین هویت جنسیتی و با کاربرد دو روش کیفی و کمی و استفاده از نمونه‌ای معرف از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران، به مطالعه ارزش‌ها، نقش‌ها و کلیشه‌های زنانه و رابطه آن‌ها با پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نیز هویت جنسیتی دختران می‌پردازیم. یافته‌های این پژوهش با توجه به روش کیفی (مصاحبه‌های گروهی و فردی) نشان می‌دهد زنانگی در دختران جوان با پذیرش نقش‌ها و هنجارهای متناسب با مقتضیات سنی، به گونه‌ای متفاوت از هویت جنسیتی زنان در موقعیت‌های اجتماعی دیگر، تعریف می‌شود. از نظر آنان آغاز فرایند زنانگی ملازم با تغییر در وضعیت‌شان و مبتنی بر برخی قراردادهای اجتماعی نظیر ازدواج است. علاوه بر این تصویری که دخترهای دانش‌آموز از ارزش‌های زنانگی ارائه می‌نمایند بر تصورات قالبی و برداشت‌های رایج در این‌باره مبتنی است. یافته‌های حاصل از مطالعه ارزش‌های زنانه با روش کمی که به مطالعه گرایش دخترها به ارزش‌ها، کلیشه‌ها و نقش‌های زنانه در ارتباط با پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت جنسیتی آنان می‌پردازد، حاکی از آن است که رابطه معناداری بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت جنسیتی دختران وجود ندارد. و در هر دو پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر و پایین‌تر توزیع یکسانی از دخترها با هویت‌های جنسیتی چهارگانه (زنانه، مردانه، دوجنسیتی، نامتمایز) وجود دارد. نتایج این پژوهش ضمن اذعان به وجود تنوعی از هویت‌های زنانه در میان دخترهای دانش‌آموز شهر تهران، برخی اختلافات را نیز در زمینه گرایش به ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی در میان آن‌ها نشان می‌دهد. بر این اساس دختران متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر گرایش کمتری به ارزش‌های زنانه دارند، در حالی که دختران متعلق به پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تر گرایش بیشتری به ارزش‌های زنانه دارند. همچنین در گرایش دختران با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر و پایین‌تر به نقش‌های جنسیتی تفاوتی وجود ندارد. یافته‌ها نشان می‌دهد، دختران با هویت‌های جنسیتی زنانه، مردانه و دوجنسیتی که به ارزش‌های زنانه گرایش دارند، به نقش‌های جنسیتی زنانه نیز گرایش بیشتری دارند. همچنین دختران با هویت‌های جنسیتی مردانه، نامتمایز، زنانه و دوجنسیتی به ترتیب گرایش بیشتر به رد کلیشه‌های رایج زنانه دارند. علاوه بر این، یافته‌ها حاکی از آن است، دخترانی که به ارزش‌های زنانه پایبند هستند، به یک میزان به کلیشه‌های جنسیتی گرایش ندارند. نهایتاً این‌که پژوهش حاضر ضمن توجه به تنوع هویت‌های جنسیتی در میان زنان (در این‌جا دختران) بازنمایی اختلافات آن‌ها در گرایش به ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی، و اهمیت مفهوم جنسیت و کاربرد آن در مطالعات زنان و دختران را یادآوری نموده و بر مفهوم «زنانگی‌ها» به مثابه مفهومی کلیدی در مطالعات جنسیت و مطالعات زنان توجه می‌نماید.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

۲ طرح مسأله
۴ ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق
۵ اهداف تحقیق

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

۷ مقدمه
۷ مطالعات زنان
۹ جنس / جنسیت
۱۲ تعریف زنانگی
۲۰ زنانگی در ادبیات
۲۶ دخترانگی
۳۱ هویت جنسیتی در دختران
۳۵ ذات‌گرایی و سازه‌گرایی اجتماعی
۳۹ پارادایم زیست‌شناختی
۴۲ ارزیابی پارادایم زیست‌شناختی
۴۴ پارادایم روان‌کاوی
۴۶ ارزیابی نظریه روان‌کاوی فروید
۴۷ رویکردهای نو‌فرویدی به جنسیت
۴۸ نظریه چودرو
۴۹ نظریه هورنای
۵۰ نظریه دویچ
۵۱ نظریه ایریگاره
۵۱ نظریه سیزو
۵۲ نظریه کریستوا
۵۲ نظریه لاکان
۵۴ پارادایم فمینیستی
۵۶ فمینیسم لیبرال
۵۶ فمینیسم رادیکال
۵۸ فمینیسم مارکسیست
۶۰ فمینیسم سوسیالیست
۶۱ فمینیسم سیاه
۶۱ فمینیسم جهان‌سومی

۶۲ اکوفمینیسم یا فمینیسم طرفدار محیط زیست
۶۳ فمینیسم پساتجددگرا
۶۴ ارزیابی نظریه‌های فمینیستی
۶۷ پارادایم روانشناسی اجتماعی
۶۷ نظریه یادگیری اجتماعی
۶۸ ارزیابی نظریه یادگیری اجتماعی
۶۸ نظریه طرحواره جنسیتی و بم
۷۰ نظریه رشد و تحول شناختی
۷۱ نظریه کلبرگ
۷۱ نظریه گلیگان
۷۳ ارزیابی نظریه رشد و تحول شناختی
۷۳ پارادایم مردم‌شناختی
۷۵ ارزیابی پارادایم مردم‌شناختی
۷۶ پارادایم جامعه‌شناختی
۷۷ نظریه دورکیم
۷۷ نظریه مارکس
۷۹ نظریه وبر
۸۰ نظریه زیمل
۸۲ پارسونز و نظریه نقش جنسی
۸۴ نظریه گافمن
۸۵ نظریه کیمل
۸۶ نظریه وست و زیمرمن
۸۷ مروری بر برخی تحقیقات انجام شده درباره موضوع
۹۳ جمع‌بندی پژوهش‌های مربوط به موضوع
۹۳ جمع‌بندی مباحث نظری
۹۶ فرضیات پژوهش
فصل سوم: روش‌شناسی و روش‌های تحقیق	
۱۰۰ تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها
۱۰۰ ارزش‌های زنانه
۱۰۱ نقش‌های جنسیتی
۱۰۲ کلیشه‌های جنسیتی
۱۰۳ هویت جنسیتی
۱۰۵ زنانگی
۱۰۵ مردانگی

۱۰۶	دوجنسیتی
۱۰۶	نامتمايز
۱۰۶	پایگاه اجتماعی - اقتصادی
۱۰۷	حجم بدن
۱۰۷	متغیرهای زمینه ای
۱۰۸	روش‌های تحقیق
۱۰۸	ابزار پژوهش
۱۱۰	جمعیت آماری
۱۱۳	حجم نمونه و روش نمونه‌گیری
۱۱۶	روش اجرای پژوهش
۱۱۸	ملاحظات اخلاقی ضمن پژوهش
۱۱۹	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش کیفی
۱۲۰	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کمی

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

۱۲۲	مقدمه
۱۲۲	یافته‌های رویکرد کیفی
۱۲۲	ارزش‌های زنانگی
۱۲۴	نقش‌های جنسیتی
۱۳۳	پایبندی به کلیشه‌های جنسیتی
۱۳۶	الگوپذیری نقش جنسیتی
۱۳۹	گفتگوهای دخترانه
۱۴۱	مؤلفه‌های گذر از دختری به زنانگی
۱۴۳	یافته‌های رویکرد کمی
۱۴۴	منطقه سکونت پاسخگویان
۱۴۴	پایه تحصیلی پاسخگویان
۱۴۴	رشته تحصیلی پاسخگویان
۱۴۵	سن پاسخگویان
۱۴۵	بعد خانواده پاسخگویان
۱۴۶	تمایلات شغلی پاسخگویان
۱۴۷	تمایلات ورزشی پاسخگویان
۱۴۸	داشتن اتاق مستقل
۱۴۸	مدل‌های آرایش مو در پاسخگویان
۱۴۹	توده بدن پاسخگویان
۱۵۰	دوستان صمیمی پاسخگویان

۱۵۶	داشتن دوست غیرهمجنس
۱۵۱	تمایل پاسخگویان به میزان ادامه تحصیل
۱۵۲	انتظار خانواده از میزان ادامه تحصیل پاسخگویان
۱۵۳	شغل پدر پاسخگویان
۱۵۳	درآمد پدر پاسخگویان
۱۵۴	میزان تحصیلات والدین دختران
۱۵۴	رابطه دختران با والدین
۱۵۵	دیگران صمیمی دختران
۱۵۶	نگرش دختران نسبت به نقش‌های جنسیتی
۱۵۷	نگرش دختران نسبت به ارزش‌های زنانگی
۱۵۹	مقیاس زنانگی
۱۶۰	مقیاس مردانگی
۱۶۲	نگرش دختران نسبت به کلیشه‌های جنسیتی
۱۶۳	پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان
۱۶۶	هویت‌های زنانه
۱۶۷	نگرش دخترها نسبت به ارزش‌های زنانه در چهار گروه هویتی
۱۷۰	نگرش دخترها نسبت به کلیشه‌های جنسیتی در چهار گروه هویتی
۱۷۲	رابطه بین منطقه محل سکونت و سایر متغیرها
۱۷۳	آزمون فرضیات
۱۸۲	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۸۹	پیشنهادها
۱۹۲	مشکلات تحقیق
۱۹۴	فهرست منابع

جداول

۱۲	جدول شماره ۱. جنس - جنسیت
۱۹	جدول شماره ۲. هویت زنانه از منظر مدرنیسم، پست مدرنیسم و مابعد پست مدرنیسم ...
۶۵	جدول شماره ۳. دیدگاه‌های فمینیستی
۹۴	جدول شماره ۴. مقایسه دیدگاه‌های نظری درباره هویت جنسیتی
۱۰۷	جدول شماره ۵. نحوه رتبه‌بندی گروه‌ها برحسب حجم بدن
۱۱۲	جدول شماره ۶. جمعیت آماری به تفکیک ویژگی‌ها و اجزاء مختلف
۱۱۴	جدول شماره ۷. حجم نمونه به تفکیک ویژگی‌ها و اجزاء مختلف
۱۱۶	جدول شماره ۸. مصاحبه‌های انجام شده به تفکیک منطقه و پایه تحصیلی مصاحبه‌شوندگان

- جدول شماره ۹. مشخصات مصاحبه‌ها و مصاحبه‌شوندگان ۱۱۷
- جدول شماره ۱۰. متغیرهای پژوهش و سطح سنجش آن‌ها ۱۲۰
- جدول شماره ۱۱. فراوانی پاسخگویان برحسب منطقه سکونت ۱۴۴
- جدول شماره ۱۲. فراوانی پاسخگویان برحسب پایه تحصیلی ۱۴۴
- جدول شماره ۱۳. فراوانی پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی ۱۴۵
- جدول شماره ۱۴. فراوانی پاسخگویان برحسب سن ۱۴۵
- جدول شماره ۱۵. بعد خانواده پاسخگویان ۱۴۶
- جدول شماره ۱۶. تمایلات شغلی پاسخگویان ۱۴۶
- جدول شماره ۱۷. تمایلات ورزشی پاسخگویان ۱۴۷
- جدول شماره ۱۸. میزان عضویت دختران در باشگاه ورزشی ۱۴۸
- جدول شماره ۱۹. فراوانی پاسخگویان در داشتن اتاق مستقل ۱۴۸
- جدول شماره ۲۰. فراوانی مدل‌های آرایش مو در پاسخگویان ۱۴۹
- جدول شماره ۲۱. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب حجم بدن ۱۵۰
- جدول شماره ۲۲. مقوله‌بندی پاسخگویان برحسب معیارهای شاخص حجم بدن ۱۵۰
- جدول شماره ۲۳. فراوانی تعداد دوستان صمیمی پاسخگویان ۱۵۱
- جدول شماره ۲۴. داشتن دوست غیرهمجنس ۱۵۱
- جدول شماره ۲۵. تا چه سطحی می‌خواهید به تحصیلات ادامه دهید؟ ۱۵۲
- جدول شماره ۲۶. خانواده شما انتظار دارند تا چه سطحی درس بخوانید؟ ۱۵۲
- جدول شماره ۲۷. تویع فراوانی شغل پدر پاسخگویان ۱۵۳
- جدول شماره ۲۸. توزیع فراوانی درآمد پدر پاسخگویان ۱۵۳
- جدول شماره ۲۹. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تحصیلات والدین ۱۵۴
- جدول شماره ۳۰. فراوانی رابطه دختران با والدین ۱۵۵
- جدول شماره ۳۱. افرادی که دختران در صورت نیاز با آن‌ها مشورت می‌کنند ۱۵۵
- جدول شماره ۳۲. افرادی که دختران با آنان ارتباط بیشتری دارند ۱۵۶
- جدول شماره ۳۳. نگرش دخترها نسبت به نقش‌های جنسیتی ۱۵۷
- جدول شماره ۳۴. میانگین پاسخ‌های دختران به نگرش‌های شناختی زنانه ۱۵۸
- جدول شماره ۳۵. میانگین پاسخ‌های دختران به نگرش‌های تمایلی زنانه ۱۵۸
- جدول شماره ۳۶. میانگین پاسخ‌های دختران به نگرش‌های رفتاری زنانه ۱۵۹
- جدول شماره ۳۷. میانگین پاسخ دختران به مقیاس سنجش هویت زنانه براساس ابزار ب۱ ۱۶۰
- جدول شماره ۳۸. میانگین پاسخ دختران به مقیاس سنجش هویت مردانه براساس ابزار ب۱ ۱۶۱
- جدول شماره ۳۹. میانگین نگرش دختران نسبت به کلیشه‌های جنسیتی ۱۶۲
- جدول شماره ۴۰. تفکیک پاسخگویان برحسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی ۱۶۳
- جدول شماره ۴۱. پاسخ‌های گروه‌های چهارگانه دختران به نگرش‌های شناختی ۱۶۷
- جدول شماره ۴۲. پاسخ‌های گروه‌های چهارگانه دختران به نگرش‌های تمایلی ۱۶۸
- جدول شماره ۴۳. پاسخ‌های گروه‌های چهارگانه دختران به نگرش‌های رفتاری ۱۷۰

- جدول شماره ۴۴. میانگین پاسخ به کلیشه‌های جنسیتی در گروه‌های دختران ۱۷۱
- جدول شماره ۴۵. رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی و چهارگروه هویت جنسیتی ۱۷۳
- جدول شماره ۴۶. رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نمرات زنانگی و مردانگی ۱۷۳
- جدول شماره ۴۷. آزمون تفاوت میانگین‌های پایگاه اجتماعی-اقتصادی و گرایش به نقش‌های جنسیتی ۱۷۴
- جدول شماره ۴۸. رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی و گرایش به کلیشه‌های جنسیتی ۱۷۴
- جدول شماره ۴۹. آزمون تفاوت میان تعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی و گرایش به ارزش‌های زنانگی ۱۷۵
- جدول شماره ۵۰. تفاوت بین گروه‌های چهارگانه جنسیتی در گرایش به کلیشه‌های جنسیتی ۱۷۷
- جدول شماره ۵۱. تفاوت بین گروه‌های چهارگانه جنسیتی در گرایش به ارزش‌های زنانه ۱۷۸
- جدول شماره ۵۲. تفاوت بین گروه‌های هویت جنسیتی در گرایش به نگرش‌های سه‌گانه ۱۷۹
- جدول شماره ۵۳. ماتریس همبستگی متغیرهای اصلی پژوهش ۱۸۰

نمودارها

- نمودار شماره ۱. روابط متغیرهای مستقل و وابسته در پژوهش ۹۷
- نمودار شماره ۲. فراوانی پایگاه اجتماعی-اقتصادی در مناطق سه‌گانه ۱۶۴
- نمودار شماره ۳. فراوانی درآمد پدران در مناطق سه‌گانه ۱۶۵
- نمودار شماره ۴. فراوانی مشاغل بالا و پایین در مناطق سه‌گانه ۱۶۵
- نمودار شماره ۵. میزان تحصیلات پدران در مناطق سه‌گانه ۱۶۶
- نمودار شماره ۶. تفکیک گروه‌های جنسیتی چهارگانه ۱۶۶
- نمودار شماره ۷. نمودار خطی گرایش دخترها به کلیشه‌های جنسیتی ۱۷۲

اشکال

- شکل شماره ۱. نسخه‌های مردانگی و زنانگی ۱۸
- شکل شماره ۲. رابطه متقابل زنانگی-فرهنگ ۲۰
- شکل شماره ۳. طبیعت-تربیت و زنانگی ۳۶
- شکل شماره ۴. هویت جنسیتی از دیدگاه روانکاوی فروید ۴۵
- شکل شماره ۵. هویت جنسیتی از دیدگاه یادگیری اجتماعی ۶۸
- شکل شماره ۶. هویت جنسیتی از دیدگاه نظریه رشد و تحول شناختی ۷۰
- شکل شماره ۷. عوامل کلیدی شکل‌دهنده زنانگی ۹۵
- شکل شماره ۸. ارتباط زنانگی با سه عنصر ذهنیت، موقعیت و نقش ۹۶
- شکل شماره ۹. پیوستار یک بعدی دو قطبی ۱۰۳
- شکل شماره ۱۰. نحوه تعیین هویت جنسیتی پاسخگویان براساس مقیاس بم ۱۰۴
- شکل شماره ۱۱. پیوستگی عناصر سازنده زنانگی در دختران جوان ۱۸۴

پیوست‌ها

۱. پرسشنامه ۲۰۲
۲. پرسش‌های مصاحبه ۲۰۹
۳. نقشه مناطق نمونه‌گیری شده در شهر تهران ۲۱۰

٢١١	٤. معرفی نامه تحقیق به منطقه ٣
٢١٢	٥. معرفی نامه تحقیق به منطقه ١١
٢١٣	٦. معرفی نامه تحقیق به منطقه ١٩

فصل اول

کلیات تحقیق

طرح مسأله

با آغاز گفتمان مدرن و بازنگری در اندیشه‌های پیشین و پیرو آن شکل‌گیری جنبش‌های زنان، از دهه ۱۹۷۰، «زنان» به عنوان یک موضوع وارد متون نظری جامعه‌شناسی شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند. اما اغلب این مطالعات به زنان نه به عنوان موضوعی مستقل، بلکه در رابطه با تفاوت‌های میان دو جنس و در مقابل مردان توجه نموده‌اند. شماری از این مطالعات نیز، در مواردی حتی پا را فراتر گذاشته و زنانگی را به عنوان بخشی از ایدئولوژی مردانه به عنوان «سوژه» و به مثابه «دیگری» بررسی کرده است.

با وجود این، مطالعات مذکور بویژه با ظهور موج دوم جنبش فمینیستی، شرایط مساعدی برای تمایزگذاری میان جنس بیولوژیکی و جنسیت فراهم ساخت. تمایزگذاری میان جنس / جنسیت، اندیشه‌ورزی مبتنی بر دو رویکرد ذات‌گرایی و سازه‌گرایی را پیش کشید و عرصه را برای ارائه آراء نظری در سه سطح زیستی، روانشناختی و اجتماعی - فرهنگی درباره جنس (مادینه / نرینه) و جنسیت (زنانگی / مردانگی) باز نمود. طبق رویکرد ذات‌گرایی با تبیین زیست‌شناختی، تفاوت میان زن و مرد یک امر بیولوژیک است. از این رو، «زنانگی» نیز ارتباط تنگاتنگ با طبیعت زنانه داشته و بر مبنای عوامل زیستی و هورمونی تعریف می‌شود. در این رهیافت که موقعیت‌های ساختاری اجتماعی نادیده انگاشته می‌شود، زنانگی به عنوان واقعیتی بیولوژیک با «زنی» و «مادینگی» یکی دانسته شده و اصالت به جنس داده می‌شود.

مطالعات مارگارت مید در حوزه انسان‌شناسی و نیز صاحب‌نظرانی در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و مطالعات جنسیت باعث به چالش کشیدن رویکرد ذات‌انگارانه بیولوژیست‌ها به موضوع هویت جنسیتی شده و عرصه را برای طرح رویکرد سازه‌گرایانه درباره این مسئله باز نمود. سازه‌گرایان اجتماعی تأکید نموده‌اند که جنسیت به طور کامل یک ساخت اجتماعی - فرهنگی است. بر این مبنای سازه‌گرایان اعتبار بخشیدن به ویژگی‌های زیستی در تعریف زنانگی را بیشتر جلوه‌ای سیاسی و مبتنی بر روابط قدرت فهم کرده، این ویژگی‌ها را به عنوان شاخصه‌های تعریف از زنانگی مخدوش می‌دانند. لذا از نظر آنان، زنانگی حاصل یک فرایند متقابل اجتماعی - فرهنگی و بیولوژیکی است، که نظامی از روابط اجتماعی و نهادی را در ارتباط با هویت زنانه بازنمایی می‌کند. با ابتناء به رویکرد سازه‌گرایی، گو این‌که، هویت جنسی شخص به‌طور بیولوژیکی تعیین شده است، اما جنسیت وی به‌طور فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. در واقع، در جریان فرایند جامعه‌پذیری، اعضای مؤنث جامعه از بدو تولد در جهت کسب موقعیت زنانه تحت تعلیمات فرهنگی و اجتماعی منتج به زنانگی قرار می‌گیرند. آن‌ها با نقش‌های جنسی و جنسیتی خود آشنا می‌شوند و مطابق انتظارات اجتماعی به پوشیدن لباس‌های زنانه، بلند نگه داشتن موها، بچه‌داری، پخت و پز و شست و شو می‌پردازند. این‌ها نقش‌هایی هستند که زنان با آن‌ها جامعه‌پذیری‌شان را تکمیل می‌کنند. لذا، مطابق تعریف متعارف این شکل از زنانگی طبیعی و واقعی تلقی می‌شود.

اما با وجود تفاسیر پیش گفته باید در نظر داشت، این عقیده که زنانگی وابسته به اکتساب‌های اجتماعی و تربیت است به همان اندازه جزم‌اندیشانه است که گفته شود نشانه‌ها و خصوصیات ظاهری

زیست‌شناختی شاخص‌های مهم زنانگی است. تضاد این دو دیدگاه را نمی‌توان با تقلیل یکی به دیگری حل نمود. بلکه آنچه باید مورد توجه قرارگیرد این است که هر یک از این دو دیدگاه چگونه بر تمامیت زنانگی تأثیر می‌گذارد. از این‌رو، رهیافت‌های نظری و روش‌شناختی متفاوت برای مطالعه زنانگی ضروری به نظر می‌رسد. باید توجه داشت که، هیچ نظریه‌ای کامل نیست، درعین حال هیچ نظریه‌ای کاملاً اشتباه نیست. هر یک از نظریه‌ها در درک ما تا حدی نقش دارند. چنان‌که زیست‌شناسان و روان‌شناسان بیشتر به عامل وراثت و فیزیولوژیک و خصایص فردی و روحی - روانی در شکل‌گیری زنانگی توجه دارند. شماری از جامعه‌شناسان و محققان علوم اجتماعی ساختارهای اجتماعی را عامل اساسی شکل‌گیری زنانگی می‌دانند. در این میان روان‌شناسان اجتماعی هر دو را مد نظر داشته و اصل را بر توجه همزمان به آن‌ها گذاشته‌اند و آن‌ها را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته‌اند. مثلاً مراقبت از فرزند نقشی است که زنان بر عهده دارند. این واقعیت را می‌توان با تبیین‌های مختلف مطرح نمود. در سطح تبیین زیست‌شناسی می‌توان ادعا نمود که نگهداری از فرزند به دلیل سازگاری با هورمون‌ها و ژن‌های مادر، تنها نقشی مختص به زنان است. تبیین‌های روان‌شناختی بر آن است که، زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی خود بهتر با این وظیفه سازگار هستند. در حالی که در تبیین‌های جامعه‌شناختی به ساختارهای اجتماعی و تأثیر آن‌ها توجه می‌شود. به طور مثال، تقسیم کار اجتماعی سبب محول شدن این وظیفه به زنان شده است.

صرف‌نظر از رهیافت‌های نظری در تعریف زنانگی، و سواى این‌که زنانگی ماحصل عوامل بیولوژیکی، فرهنگی یا حتی برساخته یک ایدئولوژی مردانه باشد، به آن به عنوان فرایندی در گذر از دختری کمتر توجه شده است. زیرا اغلب به نظر می‌رسد نوجوانی بیشتر با تصاویری از مردانگی تداعی شده و خیلی با گفتمان زنانگی مناسبت ندارد. همچنین «اغلب فرهنگ‌ها فرض را بر این می‌گیرند که برای یک دختر جوان زن‌شدن آسان است، به این معنی که ظاهراً مردم در اغلب جوامع آن را فرایند بااهمیتی قلمداد نمی‌کنند» (روزالدو، ۱۹۷۴). بی‌اهمیت جلوه دادن این فرایند از یک سو ریشه در بی‌توجهی نسبت به فرهنگ دختران دارد و از سوی دیگر تلقی زیست‌شناسانه از این فرایند آن را بی‌اهمیت می‌سازد. لذا این نظر وجود دارد که در بررسی زنانگی به دختران پرداخته نشده است. این موضوع خود شرح بی‌اعتنایی فرهنگ مردسالار به «مطالعات دختران» و مغفول ماندن دختران از مطالعات جامعه‌شناختی است. البته این کم‌توجهی از سوی پژوهشگران در حوزه مطالعات زنان نیز محلی از اعراب ندارد. از همین روی، مک‌رابی^۱ و گاربر (۱۹۷۵) در مطلبی تحت عنوان «دختران و خرده فرهنگ» بر این عقیده‌اند که در مطالعات گروه‌های فرهنگی جوانان مطالعات کلاسیک مردم‌شناسی، تاریخ موسیقی پاپ، گزارش‌های شخصی و بررسی ژورنالیستی کمتر به نقش دختران پرداخته شده است و هرجایی که هم‌یادی از آنان شده است در جهت تقویت بدون نقد، همان تصویر کلیشه‌ای از زنان بوده است (مک‌رابی و گاربر، ۱۹۷۵: ۱۱۲ و ذکایی، ۱۳۸۱). علاوه بر این، «مسئله‌مند

بودن مردانگی» (در این رابطه بنگرید به ذکایی و میرزایی، ۱۳۸۴) نه تنها باعث مسئله‌ساز بودن مردان دیگر می‌شود، بلکه با توجه به انتظارات اجتماعی و فرهنگی از زنان، آنان نیز مسئله‌ساز شده‌اند. لذا، «مطالعات دختران» به عنوان شاخه‌ای از مطالعات جنسیت به طور عام و مطالعات زنان به طور خاص و همچنین نظیری برای «مطالعات مردان» و «مطالعات پسران» شایسته توجه بیشتری است. به این ترتیب این پژوهش مقدماتی در «مطالعات دختران» زمینه‌سازی بیشتر جهت طرح موضوعات پژوهشی متنوع در حوزه مطالعات زنان خواهد داشت.

دختران در جریان هویت‌یابی خود تحت تأثیر پیچیدگی‌های نظام جهانی شدن و تأثیر عوامل درونی و بیرونی قرار می‌گیرند. و به زعم جسی برنارد «اشخاص و موضوعات مختلف از هر طرف بر دختر تأثیر می‌گذارند.» (فرایدی، ۱۳۷۸: ۱۴۰) توجه به این عوامل و تحولاتی که پیشتر مطرح کردیم سؤالات متعددی را به ذهن متبادر می‌سازد، این‌که، آیا با وجود دگرگونی‌های اجتماعی و ورود زنان به عرصه عمومی، دختران هویت خود را با توجه به جایگاه خود در ساختار اجتماعی می‌سازند یا این هویت از معانی موجود در روابط پدرسالاری ایجاد می‌شود؟ آیا می‌توان گفت رفتارها و نقش‌های جنسیتی میان دختران متفاوت است و طیفی از رفتارهای زنانه وجود دارد؟ و با طیفی از زنانگی مواجه هستیم؟ آیا با وجود تغییرات اجتماعی هنوز دختران با الگوهای فرسوده زنانگی همانندسازی می‌کنند؟ پاسخ به این سؤالات مستلزم بررسی نگرش دختران درباره زنانگی و توصیف گرایش آنان به ارزش‌های مسلط زنانگی یا پس‌زدن این ارزش‌ها و جایگزین نمودن زنانگی جدید به جای آن است.

در این رساله قصد داریم گرایش دختران جوان به زنانگی و ارزش‌های متناسب به آن را مطالعه نماییم. و به این ترتیب «مطالعات دختران» را به عنوان یکی از شاخه‌های حوزه مطالعات جنسیت در کانون توجه قرار دهیم.

ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

چنین استنباط می‌شود که در حوزه تولید شناخت، نظام‌های ارزشی مهم و مربوط بودن یک موضوع یا حاشیه‌ای بودن آن را تعیین می‌کنند. چنان‌که، زنانگی به عنوان برساخته‌ای اجتماعی در میان نظریه‌هایی که به واسطه سایه پدرسالارانه حوزه‌ها و رشته‌های مختلفی را موضوع شناخت خود قرار داده‌اند، کمتر توجه شده است. در پژوهش‌های حوزه مطالعات زنان به عنوان بخشی از مطالعات علوم اجتماعی، به مطالعه مستقل در مورد گرایش‌ها، نقش‌ها و تمایلات نقشی و ارزشی آن‌ها به صورت تجربی ذیل عنوان زنانگی کمتر پرداخته شده است. در حالی که بر آن هستیم «واقعیت‌های اجتماعی نیاز به علمی جامعه‌شناختی دارد تا درک شود» (همیلتون، ۱۳۸۰: ۱۸۰) و زنانگی نیز به مثابه واقعیتی اجتماعی نیز از این امر مستثنی نیست.

در همین راستا، اگر این پرسش طرح شود که مطالعه زنانگی به عنوان یک امر اجتماعی چه جایگاهی در علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی دارد، باید گفت نتایج پژوهش درباره زنان سبب توجه به اشکال

دانش خاص زنان می‌شود که می‌تواند در مورد سایر اشکال دانش نیز مصداق داشته باشد. در واقع عینیت بخشی به تجربه‌های زنانه از خلال مطالعه زنانگی برای فهم برخی مناسبات اجتماعی - روابط مردان و زنان، انواع زنانگی و... ضرورت می‌یابد. علاوه بر این، اهمیت این موضوع را نباید تنها در فهم تفاوت‌های میان زنان و مردان دانست، بلکه شناخت موقعیت زنان در سطوح اجتماعی و نقش آن‌ها نیز حائز اهمیت است. این موضوع که چطور هویت جنسیتی زنانه توسط زنانی که در زمره کنشگران اجتماعی هستند، ساخته می‌شود، از جمله مواردی است که اهمیت پرداختن به مسئله زنانگی را به لحاظ نظری و بنیادی مهم جلوه می‌سازد. پرسش درباره سؤالات حقیقی به منظور مطالعه جنسیت و فهم حاصله از شناخت موضوعاتی که در حوزه مطالعات زنان پیرامون زنانگی وجود دارد، کمک به توانایی ما در درک ماهیت زنانگی و تغییرات آن در زمان است. هرچند مطالعه زنان - هم به لحاظ تئوریک و هم کاربردی - از مباحث کلان حوزه‌های مختلف شناخت است. اما اهمیت موضوع زنانگی را نباید تنها به مباحثی از جمله؛ بررسی مرزهای جنسیتی که حاصل ارزش‌گذاری در نقش‌های جنسیتی است، دوگانگی فرهنگ و طبیعت که به جدایی حوزه خصوصی و عمومی می‌انجامد و تقسیم کار جنسیتی در رابطه با هویت جنسیتی - گو این‌که به ما در فهم زنانگی یاری می‌رساند - تقلیل داد.

از این‌رو، پژوهش درباره زنان و به زعم فریدمن (۱۳۸۱) در وضعیت «درهم ریختگی جنسیتی» به عنوان یک موضوع قابل مطالعه در عرصه مطالعات اجتماعی - فرهنگی در قالب موضوع زنانگی یا دقیق‌تر «زنانگی‌ها» دانش ما را به سطح عالی‌تری درباره زنان ارتقاء خواهد بخشید. لذا ما با نگرش سازه‌گرایانه زنانگی را به عنوان یک پدیده اجتماعی - فرهنگی و به مثابه یک واقعیت اجتماعی مورد بررسی و کاوش قرار خواهیم داد.

سهم کاربردی این پژوهش را نیز در واکاوی و شناخت «گرایش‌های زنانه دختران» و «برداشت آن‌ها از زنانگی» به صورت تجربی می‌دانیم. با این شناخت ما زمینه‌ها و تجربیات مؤثر بر شکل‌گیری «شخصیت زن» را شناسایی می‌نماییم. چراکه آگاهی نسبت به این موضوع می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به ویژه از سوی آموزش و پرورش، در فرایند جامعه‌پذیری اعضای مؤنث جامعه در ارتباط با هویت جنسیتی آنان و بویژه، زنانگی دختران در جامعه لحاظ گردد.

اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش تدوین یک دیدگاه کامل در زمینه مطالعه زنانگی نیست. بلکه تلاش ما این است که با فراهم آوردن چشم‌اندازی برای این موضوع به بررسی «ارزش‌های زنانگی» در نگرش دختران دبیرستانی بپردازیم. پیرو این هدف پیگیری علایق شخصی و نیز طرح مباحثی متفاوت‌تر از مباحث معمول - از جمله نابرابری جنسی و انقیاد زنان، تقسیم کار جنسی و... است که در عرصه مطالعات زنان مورد بررسی

قرار می‌گیرد. ضمناً آن‌گونه که بیشتر عنوان شد طرح «مطالعات دختران» می‌تواند نه پیشنهادی بلندپروازانه، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر از باب تکوین مطالعات جنسیتی در ایران باشد.

در سطح نظری، این پژوهش به مسئله‌ی زنانگی و انتقال بعضی دیدگاه‌ها و بحث‌های اصلی که در پیوند با این مسئله است، می‌پردازد. نیز، بیشتر به بسط مباحث زنانگی و شیوه‌های ادراک زنانگی توسط دختران جوان توجه دارد و این‌که چگونه دختران رفتارها و نقش‌های متناسب با جنسیت‌شان را اتخاذ می‌کنند؟ و در سطح تجربی با اجرای مقیاس استاندارد BSRI و فراهم آوردن گونه‌ای سنخ‌شناسی از دختران مقطع متوسطه شهر تهران در پی آن هستیم که بدانیم آیا هویت جنسیتی دختران از آنچه آن‌ها انجام می‌دهند (نقش جنسیتی) با آنچه باوردارند (گرایش و تصورات کلیشه‌ای درباره‌ی جنسیت) در آن‌ها مطابقت دارد؟ آیا با وجود تغییرات اجتماعی دختران با الگوهای سنتی زنانگی همانندسازی می‌کنند؟ علاوه بر این، مفهوم‌سازی‌های دختران جوان را در ارتباط با زنانگی برجسته‌نماییم. آن‌گونه که بیشتر نیز بیان شد، هدف اصلی در این پژوهش بررسی طرز تلقی دخترها از ارزش‌های زنانگی است و این‌که چگونه ارزش‌های زنانگی در نگرش دختران صورت عینی یافته و در رفتار و اعمال‌شان بروز می‌یابد؟

لذا در پی بررسی نحوه‌ی توجه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی به کلیشه‌های زنانه و گرایش‌های آن‌ها و نیز در جهت تدقیق کار پژوهش و حصول به مقصود، برشی نسلی از دختران جوان را در بحبوه‌ی فراگیری ارزش‌ها، نقش‌ها و کلیشه‌های زنانه‌ی گزینش نموده‌ایم. در اندیشه‌ی ما دختران دبیرستانی نه تنها معنای زن بودن را می‌دانند بلکه می‌توانند چگونگی ابراز ادراک جنسیتی را نیز در تعاملات روزانه نشان‌داده و کنترل کنند. متذکر می‌شویم، این پژوهش به تنهایی فضایی برای پرداختن به همه‌ی مسائلی که پیرامون موضوع زنانگی وجود دارد یا بازنمایی مسائلی که درباره‌ی گرایش دختران جوان به ارزش‌های زنانگی یا حتی خرده‌فرهنگ دختران وجود دارد، بدست نمی‌دهد. ضمن این‌که تقبل چنین کاری تعهدی بزرگ بوده و از عهده‌ی این پژوهش خارج است. در عوض ما سعی کردیم گرایش دختران جوان درباره‌ی ارزش‌های زنانگی را دانسته و نیز بدانیم کدام یک از ارزش‌های زنانه در نظر آن‌ها اولویت دارد. همچنین با تعیین هویت جنسیتی دختران آن‌را در رابطه با متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی - به عنوان یک ساختار اجتماعی و احتمالاً مؤثر بر ارزش‌ها، کلیشه‌ها، نقش‌ها و هویت جنسیتی - مطالعه‌ی نماییم. از آنجایی که قائل به وجود ارتباط میان هویت جنسیتی، ارزش‌ها، کلیشه‌ها و نقش‌های جنسیتی هستیم، لذا به بررسی رابطه‌ی میان آن‌ها نیز خواهیم پرداخت.

فصل دوم

مبانی نظری پژوهش

مقدمه

در این فصل ابتدا به معرفی مطالعات زنان و نقش این حوزه بین‌رشته‌ای خواهیم پرداخت. پس از آن به بحث جنس / جنسیت که یکی از موضوعات اساسی در مطالعات «جنسیت‌ها» (بنگرید به بادنتر، ۱۳۷۷) به طور عام و مطالعات زنان به طور خاص است، می‌پردازیم. در ادامه به سراغ مفهوم زنانگی که مفهومی کلیدی در این پژوهش است، خواهیم رفت. سپس زنانگی در ادبیات را طرح خواهیم نمود. از آنجایی که مطالعه حاضر در مورد هویت جنسیتی دختران جوان است، لذا بهتر دیدیم که رفتارهای جنسیتی آنان را ذیل عنوان «دخترانگی» طرح نماییم. پس از آن با استناد به آراء صاحب‌نظران، هویت زنانه دختران جوان را مورد بررسی قرار دهیم. ادعا بر این است که هویت جنسیتی (زنانگی / مردانگی) موضوع بررسی پارادایم‌های مختلفی است. لذا در این پژوهش با طرح پارادایم‌های زیست‌شناختی، روان‌کاوی، فمینیستی، مردم‌شناختی، روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناختی و آراء نظری ذیل آن‌ها به بررسی زنانگی خواهیم پرداخت و سعی می‌نماییم انتقادات وارد بر هر یک از این نظریه‌ها را طرح نماییم. اما پیش از آن به تقسیم‌بندی کلی‌تری در حوزه مطالعات جنسیت‌ها در قالب دو رویکرد ذات‌گرایانه و سازه‌گرایانه اشاره خواهد شد. سپس پیشینه‌ای از برخی پژوهش‌های مرتبط با هویت جنسیتی - بالاخص هویت جنسیتی زنانه - ارائه می‌شود. در انتهای فصل نیز به جمع‌بندی مباحث نظری پرداخته و با رجوع به این مباحث، فرضیات پژوهش را طرح می‌نماییم.

مطالعات زنان

یکی از مهمترین تحولات در حوزه‌های مختلف شناخت در سه دهه اخیر، ظهور «مطالعات زنان» به عنوان یک حوزه مطالعاتی بین رشته‌ای است که عرصه‌های مختلف دانش بشری از علوم انسانی تا علوم تجربی و فلسفه و الهیات را در برمی‌گیرد. این حوزه مطالعاتی شامل مباحث مربوط به زنان از دیدگاهی زنانه و به نفع زنان است و گاه نیز به شکلی عام‌تر به مسائل مربوط به جنسیت ارتباط می‌یابد^۱ (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱). این رشته در سال‌های نخست دهه ۱۹۷۰ میلادی به عنوان یک درس و نه یک رشته خاص دانشگاهی در برخی کالج‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شد. سرانجام در دهه ۱۹۸۰ بود که به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی ابتدا در آمریکا و انگلستان و سپس در سایر کشورها مطرح شد (همان: ۷۹). در دهه ۱۹۹۰ سؤالات متفاوتی منجر به برجسته شدن این رشته گردید. سیاست هویت - که مبتنی بر چشم‌انداز ذات‌گرایانه تفاوت‌های میان زن و مرد به عنوان تفاوت‌های ذاتی و ویژگی‌های غیرقابل تبدیل افراد یا گروه‌ها شده - به بهبود فهم همه زنان از خودشان به عنوان ماحصل یک فرهنگ خاص کمک کرد. همچنین گاهی این رشته نفاق و زبان‌بازی اتهام‌آمیزی را ایجاد نموده که احتمالاً مانع چالش اثربخش نسبت به نهادها و ایدئولوژی‌های مردمدار^۲ گردد (کد، ۲۰۰۲: ۴۹۴). چرا که فمینیست‌ها بر این باورند که به طور کلی زنان از حوزه شناخت حذف شده‌اند و مجموعه معرفت بشری، معرفتی

۱. اُکلی خاطر نشان می‌سازد که جنسیت اصطلاحی است که فمینیست‌های دانشگاهی برای حرمت دادن به کارشان از آن استفاده کرده‌اند (فریدمن، ۱۳۸۱: ۳۰). لذا به جای مطالعات زنان، از «مطالعات جنسیت» صحبت به میان می‌آید.

است «مرد مدار» و «مذکر محور». آنها می‌کوشند تا در مقابل سوژه مردانه، سوژه زنانه را خلق کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۳). لذا، یکی از تجلیات فمینیسم از موج دوم به بعد شکل‌گیری مطالعات زنان است که در دوره‌های مختلف تحت تأثیر جریان‌های متفاوت فمینیستی قرار داشت. می‌توان گفت که به موازات حرکت بیشتر فمینیسم به سمت نظریه‌پردازی، مبارزات آکادمیک در آن اهمیت بیشتری یافته‌اند و به تبع آن، مطالعات زنان نیز جایگاه مهمی پیدا کرده است (همان: ۷۳). به اعتقاد فمینیست‌ها مطالعات زنان «شاخه آکادمیک جنبش آزادی‌بخش زنان» است (همان: ۷۷). که هم به لحاظ تاریخی و هم نظری با جنبش زنان ارتباط مستقیم دارد. لذا به عقیده کد، این رشته، حوزه جدیدی در تاریخ مطالبات زنان جهت ارتقاء آموزش آنان ارائه نمود (کد، ۲۰۰۲: ۴۹۴).

مطالعات زنان عدم تمایل به علم‌گرایی که دیری است مسلط است را با به چالش کشیدن دوگانه‌انگاری‌های مرسوم نظیر؛ ذهن/جسم، ذهنیت/عینیت، نظریه/عمل، شخصی/حرفه‌ای^۱ ترغیب می‌کند و فراخوانی است جهت منظور نمودن بازسازی و نیز فرایندهای سازنده جامعه به عنوان موضوعی برای گفتمان روشنفکری. مطالعات زنان با سوق دادن خود به سوی مفهوم‌سازی کل‌نگرانه^۲ و «یادگیری مرتبط»^۳ قصد دارد تا بازتفسیری از ارتقاء آموزش را استنباط نماید (همان: ۴۹۵). بنابراین، هدف مطالعات زنان به زعم اکلی (۱۹۸۱) تغییر «محتوای آموزش» و همچنین «روش‌های آموزشی و ساختار نهادهای آموزشی به عنوان مانعی در راه رهایی جامعه از «کلیشه‌های جنسیتی نقش‌ها» بوده است (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۶۲۵).

مطالعات زنان به صراحت داعیه آن دارد که در خدمت زنان و در جهت تغییر زندگی آنها است لذا مسئله اصلی آن تعریف خود به عنوان «زن» است. از این رو نه تنها به توضیح ماهیت روابط جنسیتی و مشکلات زنان می‌پردازد، بلکه به بهبود وضعیت زنان از طریق حل مسائل و مشکلات آنان کمک می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۳).

به طور خلاصه می‌توان گفت مطالعات زنان در مورد زنان است و برای آنها نیز هست، یعنی مشارکت در آن تعهد سیاسی و بازیابی معرفتی که به زنان تعلق دارد و دارای پیامدهای سیاسی است. این بازیابی اجازه ایجاد تغییر را با چالش کشیدن دیدگاه‌های سنتی در مورد دانش مرسوم می‌دهد؛ کارگزاری زنان را در کنترل زندگی خود ترویج می‌کند؛ شامل نهادهایی که در آن مطالعه و کار می‌کنیم نیز می‌شود، زیرا نه تنها با برداشت‌های پذیرفته‌شده در مورد آنچه باید آموخته شود مبارزه می‌کند، بلکه چگونگی آموختن را نیز به چالش می‌کشد؛ به زنان در کل قدرت می‌دهد و باعث تغییر آنها می‌شود (مدوک، جونز و کوتز، ۱۹۹۴ به نقل از مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۸۲). باید در نظر داشت، امروزه این رشته دارای چارچوب مشخص و ثابتی نیست و عناوین گوناگونی از درس مختلفی از جمله؛ جنسیت در آثار ادبی، روان‌شناسی یا تفاوت‌های جنسیتی، زبان‌شناسی و جنسیت و... ارائه

1. professional
2. wholistic conceptualisation
3. connected learning